

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۰، پیاپی ۱۲۰، تابستان ۱۳۹۵

## زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)<sup>۱</sup>

سهیلا ترابی فارسانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۳۱

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۲/۲

### چکیده

در راستای تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر قاجار، نشریات، به‌عنوان ابزاری مدرن، در دست منورالفکرهای منتقد برای تداوم روند نوگرایی در جامعه نقش درخور توجهی ایفا کردند. نشریات زنان نیز با ظهور جنبش مشروطه بستر لازم را برای حضور یافتند. این نشریات محلی برای عمومی کردن خواست‌های زنان و خروج آن از حوزه خصوصی به حوزه عمومی شدند و کوشیدند عملکردی خاص و زنانه بیانند. این پژوهش با روش تحلیل محتوای تاریخی به دنبال آن است که با تکیه بر هفت نشریه زنان شامل دانش (۱۳۲۸ق)، شکوفه (۱۳۳۱ق)، زبان زنان (۱۳۳۶ق)، نامه بانوان

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «زن و تحول گفتمانی از خلال نشریات زنان (از مشروطه تا پهلوی)» است که با اعتبار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد انجام شده است.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، ایران.  
Stfarsani@iaun.ir

(۱۳۳۸ق)، عالم‌نسون (۱۳۳۸ق)، جهان‌زنان (۱۳۳۹ق) و نسوان وطن‌خواه (۱۳۴۱ق) که در فاصله جنبش مشروطه تا سلطنت پهلوی منتشر شدند، شیوه مواجهه و راهبردهای نشریات زنان برای رخنه در ساختار سنت و دگرگون کردن مفهوم زن ایدئال در ساختار سنت و عبور به مفهوم و ارزش‌های جدید زن مدرن را از خلال نوشته‌های این نشریات واکاوی کند. همچنین، به دنبال این پرسش اصلی است که نشریات زنان روند گذار از زن ایدئال سنتی به زن ایدئال مدرن را به چه شیوه و روش‌هایی طرح می‌کنند و چه مسائلی اولویت‌های آن‌ها را دربر می‌گیرد.

### واژه‌های کلیدی: نشریات زنان، نوگرایی، سنت، قاجار، مشروطه.

#### ۱. مقدمه

جنبش مشروطه موجب دگرگونی‌های عظیم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور شد. در این میان، موقعیت زنان در این جنبش، خواست‌های آن‌ها، و رویکرد جنبش به امور زنان از مواردی است که مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است. از آنجا که جنبش مشروطه رویکردی نوگرایانه به امور داشت، تأثیر آن در روند گذار از سنت به مدرن، درخصوص مسائل زنان عمدتاً به شکلی کلی مطرح شده است. این پژوهش به دنبال آن است روندی را که در عرصه‌های فرهنگی، به‌ویژه در نشریات زنان، پی گرفته شد، مورد بررسی قرار دهد؛ از جمله اینکه این نشریات با چه شیوه‌ها و راهبردهایی کوشیدند سيطرة گفتمان سنتی را با همه اجزای معرفتی آن دگرگون کنند؛ با چه روش‌هایی می‌خواستند گفتمان تجدد را جایگزین کنند؛ در مسیر تغییر نظام ارزشی از زن ایدئال سنتی به زن ایدئال مدرن، بر چه موارد و نکاتی دست گذاشتند و کدام موارد را برجسته کردند؛ در پی تغییر کدام بخش‌های ارزشی زن سنتی بودند؛ و هویت زن مدرن را چگونه بازتعریف کردند.

تاریخ برآمدن تجدد در غرب حاکی از آن است که جامعه سنتی در آن زمان دچار گسست‌های درون‌زای معرفتی شده بود تا راه را بر گفتمان مدرن بگشاید. اندیشه تجدد واجد چند مفهوم اساسی از قبیل عقل‌گرایی، پرسش‌گری، انسان‌گرایی، فردگرایی، آزادی،

برابری و میل به پیشرفت بود. در جامعه ایران مقارن اواخر قاجار چنین گسست‌های درون‌زایی دیده نمی‌شد، بلکه خواست تغییر و دگرگونی، وجهی اراده‌گرایانه<sup>۱</sup> داشت. همین امر به سرشت گذار و شکل تحول‌گفتمانی ناظر بر امور زنان، ویژگی‌های خاصی بخشید. در این پژوهش کوشش می‌شود به شیوه تحلیل محتوای تاریخی، گذار گفتمانی از سنت به تجدد از طریق واکاوی نشریات زنان در این مقطع زمانی که بر عناصر معرفتی دوران گذار تکیه داشت، پی گرفته شود.

رویکردهای هریک از این نشریات در مسیر زمانی از مشروطه تا پهلوی، تشابه‌ها و تمایزهای آن‌ها در بازتعریف شکل ایدئال زن سنتی و چگونگی گرایش نشریه به تغییر این مفهوم از زن، و درک و فهم و تعریف آن‌ها از این مسئله، در این گذار گفتمانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در سال‌های مورد بررسی هشت نشریه زنان منتشر شد (ر.ک. قاسمی، ۱۳۷۴؛ رابینو، ۱۳۸۰؛ کهن، ۱۳۶۲؛ آژند، ۱۳۶۳؛ فرخ‌زاد، ۱۳۷۸؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۶) و از این میان، به جز نشریه *زنان ایران* (۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ ش) که غیر از خبر انتشارش، آگاهی‌های دیگری از آن در دست نیست، بقیه نشریات زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نشریات عبارت‌اند از:

۱. دانش به مدیریت خانم دکتر کحال (۱۳۲۸ق / ۱۹۱۰م / ۱۲۸۹ش)؛
  ۲. شکوفه به مدیریت مریم عمید ملقب به مزین السلطنه (۱۳۳۱ق / ۱۹۱۳م / ۱۱۹۱ش)؛
  ۳. *زبان زنان* به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی (۱۳۳۶ق / ۱۹۱۸م / ۱۲۹۷ش)؛
  ۴. *نامه بانوان* به مدیریت شهناز آزاد (۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ش)؛
  ۵. *عالم نسوان* به مدیریت نوابه صفوی (۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ش)؛
  ۶. *جهان زنان* به مدیریت آفاق پارسا (۱۳۳۹ق / ۱۹۲۱م / ۱۲۹۹ش)؛
  ۷. *جمعیت نسوان وطن‌خواه* به مدیریت ملوک اسکندری (۱۳۴۱ق / ۱۹۲۳م / ۱۳۰۲ش).
- هدف این پژوهش آن است که رویکرد این نشریات در تغییر گفتمان سنت به مدرن و مفهوم زن در این تحول را بررسی کند: این نشریات در ارائه روش‌ها و مفاهیم جدید چگونه با سنت وارد گفت‌وگو می‌شوند؟ چگونه با آن مدارا می‌کنند یا به تقابل

می‌پردازند؟ چه راهکارهایی برای این گذار ارائه می‌دهند و با هنجارهای اجتماعی چگونه مواجه می‌شوند؟

البته، این نکته را نباید نادیده گرفت که درخصوص زنان و مبحث سنت و مدرن در جنبش مشروطه و تحولات پس از آن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌های «تکاپوی زنان عصر قاجار، جهان سنت و گذار از آن»<sup>۱</sup>، «از خلوت خانه تا عرصه اجتماعی: رویارویی زنان عصر مشروطیت با دوگانگی فرهنگ و طبیعت»<sup>۲</sup> و مقاله «تحلیل رویکرد متجددانه زنان در دوره مشروطیت»<sup>۳</sup> اشاره کرد. این مقالات عمدتاً به منظور بازنمایی رویکردهای اجتماعی زنان در پی تحولات اواخر دوره قاجار به نگارش درآمده‌اند. کتاب‌هایی نیز در این زمینه موجود است که صرفاً به معرفی این نشریات پرداخته‌اند. در این بین، کتابی بسیار کم‌حجم با عنوان *زن ایرانی در نشریات مشروطه*<sup>۴</sup> به ارائه گزارشی کوتاه از این نشریات پرداخته است؛ حال آنکه پژوهش حاضر به دنبال رویکرد و پرسشی متفاوت از بررسی نشریات زنان است.

## ۲. نشریه دانش: توانمندسازی زنان در چهارچوب سنت

جنبش مشروطه بستر گفتمانی جدیدی را در ایران فراهم کرد. ظهور نشریات زنان امکان ابراز ایده‌های جدید و عمومی کردن خواسته‌های جدید را به بار آورد. *دانش* نخستین نشریه شناخته شده زنان بود که در دوره مجلس دوم در سال ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م/ ۱۲۸۹ش منتشر شد؛ یعنی زمانی که جریانات سیاسی محافظه کار قدرت را به دست گرفته و بسیاری از روزنامه‌های تندروی فعال در جنبش مشروطه بسته شده بودند.

۱. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). «تکاپوی زنان عصر قاجار: جهان سنت و گذار از آن». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. ش ۲. صص ۱-۲۲.
۲. فصیحی، سیمین (۱۳۹۱). «از خلوت خانه تا عرصه اجتماعی: رویارویی زنان عصر مشروطیت با دوگانگی فرهنگ و طبیعت». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. س ۱۹. ش ۸. صص ۱۱۵-۱۳۷.
۳. امیدپور، زهره و دیگران (۱۳۹۲). «تحلیل رویکرد متجددانه زنان در دوره مشروطیت». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. ش ۲۰. صص ۵-۳۳.
۴. وطن دوست، غلامرضا (۱۳۸۵). *زن ایرانی در نشریات مشروطه*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران در سال انتشار نشریه *دانش* در فضای گفتمانی‌ای بود که به‌رغم تحولات سیاسی، تأسیس پارلمان و شکست مجدد استبداد و قدرت‌گیری مجدد مشروطه‌خواهان، در جهت دگرگونی شرایط اجتماعی زنان تغییری حاصل نشده بود و انتشار نشریه *دانش* صرفاً به‌دلیل پا گرفتن نهادهای جدید امکان‌پذیر شده بود.

در گفتمان سنت که همچنان بر جامعه دوران قاجار غالب بود، زن به‌عنوان همسر و مادر ایفای نقش می‌کرد و تمامی نظام تربیتی، خانوادگی، آموزشی و اقتصادی در ساختار سنت برای شکل دادن به چنین نقش‌هایی برای زنان تعریف می‌شد (ر.ک. سرنا، ۱۳۶۳: ۴۶؛ دیولافوا، ۱۳۶۱: ۷۳؛ رایس، ۱۳۶۶: ۴۵). تمام عناصر این ساختار اجتماعی و فرهنگی با تعریف و وظایف زنان هم‌ساز، هم‌راستا و هماهنگ بود (ر.ک. ترابی‌فارسا، ۱۳۸۸: ۱-۲۲).

*دانش* که نشریه‌ای هفتگی بود، اهدافش را اخلاقی - علمی و به‌منظور افزایش دانش خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری زنان تعریف می‌کرد و آن را به حال دختران و زنان مفید می‌دانست (۱۳۲۸ق، ش ۱، ص ۱) و حتی به آقایان توصیه می‌کرد که نشریه را برای خانم‌ها بخوانند (همان، ش ۱، ص ۲). بی‌سواد و فضای محدود ذهنی، فکری و اجتماعی زنان، امکان بهره‌گیری گسترده از مطالب نشریه را به آن‌ها نمی‌داد. مخاطبان اصلی این نشریه طبقه اعیان و اشراف شهری بودند تا به‌گونه‌ای نقش گروه مرجع را ایفا کنند.

نشریه *دانش* رابطه زن و مرد را در همان قالب‌های مرسوم هنجاری سنت تعریف می‌کند و فقط به‌دنبال آن است که با افزودن عناصری از گفتمان مدرن، یعنی علم‌گرایی و عقل‌گرایی، و در خدمت گرفتن این ابزار مدرن، زن را در انجام نقش‌ها و وظایف مرسومش یاری رساند و در پی بهینه‌سازی زن ایدئال سنتی باشد. در انتشار نشریه *دانش* اهداف آن به‌خوبی دنبال شده است. در این نشریه مطالبی درخصوص شیوه‌های صحیح خانه‌داری و بچه‌داری منتشر شده است. از آنجاکه سردبیر این نشریه خانم کحال بود که مقدمات طب را نزد پدرش آموخته و تکمیل آن را در مدارس مبلغان مسیحی دنبال کرده بود و خود در امور پزشکی فعالیت داشت (بیران، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۹؛ شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۸۳-۸۴)، بیشتر توصیه‌هایش مربوط به امور بهداشتی و پزشکی مرتبط با خانه، کودکان و

بیماری‌هایی بود که بالا رفتن آگاهی‌های عمومی به کاهش و پیشگیری از آن‌ها کمک می‌کرد. برای مثال توصیه می‌کند برای رهایی از بیماری وبا باید خانه را پاکیزه نگه داشت، آب سالم و تمیز استفاده کرد، آب خوراکی را جوشاند، خوراکی مانده‌شده نخورد، بر روی خوردنی‌ها سرپوش گذاشت، قبل از غذا دست و صورت را شست، لباس‌ها و خانه را ضدعفونی کرد، حوله‌ها را در آفتاب خشک کرد، از خوردن و آشامیدن در ظروف مشترک که بیماری‌زاست، اجتناب کرد و ظرف‌ها را تمیز نگه داشت؛ چون موجب سلامتی اعضای خانه می‌شود. این‌ها نمونه‌هایی از توصیه‌های بهداشتی این نشریه است (د/نش، ۱۳۲۸ق، ش ۴، ص ۵ و ۷-۸).

رویکرد عمل‌گرایانه و غیرشعاری، محتاطانه، و برآمده از گفتمان سنت و متکی بر دو عنصر گفتمان مدرن، یعنی علم‌گرایی و عقل‌گرایی، امکان تداوم فعالیت نشریه را به‌طور نسبی فراهم کرد. نشریهٔ *دانش* به هویت زن سنتی حمله نمی‌کند، خواهان دگرگونی بنیادین آن نیست، و تعریفی مبتنی بر ارزش‌های جدید از هویت زن ارائه نمی‌کند، بلکه در درون همان نظام معرفتی بر ورود دو عنصر جدید در آن تمرکز می‌کند. به‌کارگیری علم‌گرایی مدرن در امور خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری، و به‌کارگیری عنصر عقل در ادارهٔ امور خانه، دو عنصر مورد تأکید این نشریه است. آموزش‌های عملی در کارهای مربوط به وظایف زنان در خانه یا همان شیوه‌های نوین خانه‌داری، طرح شیوه‌های بهداشتی و اصول شست‌وشو (همان، ش ۶، ص ۵-۶)، مراقبت از کودکان، و سلامتی و شیوهٔ علمی شیردهی از موارد مورد توجه نشریه است (۱۳۲۹ق: ش ۱۴، ص ۲-۴ و ۶-۸؛ ۱۳۲۸ق، ش ۲، ص ۳). همچنین، نظافت شخصی زنان که شامل مواردی چون استحمام آن‌ها دو بار در طول هفته، توجه به تعویض لباس و پاکیزگی آن‌ها، تفاوت بین لباس خواب و لباس روزانه، و گردش و قدم زدن برای جلوگیری از بی‌حرکی و چاقی و گرفتگی قلب است (۱۳۲۸ق، ش ۸، ص ۶-۷)، از موارد ذکر شده برای بهبود وضعیت زنان است.

نشریهٔ *دانش* بر علم و تجربه تأکید داشت و بر این واقعیت آگاه بود که «به‌ندرت اتفاق می‌افتد که خانم‌ها غیر از خانه‌داری و مراقبت به اوضاع خانه، کار دیگری داشته باشند. پس باید خیلی اوقات شریف را مصروف خانه‌داری نمایند» (همان، ش ۱، ص ۴-۵). پس

خانه‌داری نوین با ابزارهای جدید و روش علمی از طریق نشریه و نه با مراجعه به بزرگ‌ترهای خانواده و فامیل آموزش داده می‌شود. همچنین، تلویحاً نیز اشاره می‌شود که به نفع مردان خواهد بود که زنانی با دانش و عقل داشته باشند؛ چون تمام جزئیات خانه‌داری را نمی‌توان آموزش داد، ولی عقل و دانش، خود، همه چیز را به آن‌ها یاد می‌دهد (همان‌جا).

روش نشریه ایجاد تعادل در خانواده است. پس، از یک سو، به فنون شوهرداری و از سوی دیگر، به شیوه‌های زن‌داری می‌پردازد (همان، ش ۳، ص ۷-۸). در ساختار سنت، زن و مرد تعریف‌های مشخص، و وظایف و مسئولیت‌های معینی دارند. هرچند این رابطه دوسویه است، برتری و تسلط مرد را امری پذیرفته شده می‌انگارد. «صحیح است که مرد مالک رقباب و صاحب‌اختیار خانه است» (همان، ش ۳، ص ۷)، ولی این نشریه می‌کوشد توصیه‌هایی برای برخورد انسانی با زن ارائه دهد.

به‌طور کلی در این نشریه شعاری برای تغییر شرایط کلی زنان یا طرح مباحثی برای دگرگونی نظام معرفتی و ناظر بر شرایط زنان ارائه نمی‌شود. همچنان، عنصر خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عنصر تربیتی مطرح و بر اهمیت نقش مادر در خانواده تأکید می‌شود (همان، ش ۲، ص ۴)؛ اما کوشیده می‌شود این نقش در قالب علم و عقلانیت مدرن سازماندهی شود.

بخشی از صفحات نشریه *دانش* به ترجمهٔ رمان‌های خارجی اختصاص داشت که در این قسمت مطالبی به‌صورت تلویحی و غیرمستقیم به مخاطب ارائه می‌شد که این بخش را می‌توان شیوه‌ای محتاطانه در نقد ساختار اجتماعی سنتی در ایران تلقی کرد. نشریهٔ *دانش* با طرح شیوه‌های دیگر زندگی در کشورهای دیگر، برای مثال با شرحی از عروسی در ممالک خارجه به‌خصوص فرانسه، روسیه و انگلستان، به دو نکتهٔ کلیدی ازدواج در آن کشورها اشاره می‌کند که در آنجا ازدواج قبل از چهارده سال ممنوع است و دختران می‌توانند خودشان همسرشان را انتخاب کنند (۱۳۲۹ق، ش ۱۴، ص ۴-۶). در این شیوه کوشیده می‌شود در قالب داستان و بدون تأکید و توصیه یا شعار، با شیوه‌ای محتاطانه به نقد

ساختار سنتی ازدواج در دوره قاجار پرداخته شود (ر.ک. مونس الدوله، ۱۳۸۰: ۵۵ و ۶۴؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۱۵۷-۱۵۸).

علاوه بر این، نشریه *دانش* اشاره‌هایی به مفهوم مدرن کار دارد. کار کردن را عین نجابت می‌داند (۱۳۲۸ق، ش ۶، ص ۳)؛ اما در عین حال، یک مفهوم دوپهلوی از کار زنان ارائه می‌دهد که هم از آن استنباط کار در خانه می‌شود و هم گوشه چشمی به کلیت کار کردن زنان در خارج از خانه و طرح آن به صورت بسیار ملایم و محتاطانه دارد (همان‌جا). این احتیاط در موارد دیگری نیز به کار گرفته می‌شود. هر چند بر علم‌گرایی تأکید می‌شود، استفاده از «تجربیات خانم‌های باتجربه» را که شیوه آموزش سنتی در کشور بود، به طور کلی کنار نمی‌گذارد (همان، ش ۱، ص ۲). در کل، عملکرد نشریه *دانش* بر این شیوه استوار بود که هر چند عناصر مهمی از گفتمان مدرنیته را به صورت عملی وارد زندگی زنان می‌کرد و به بهره‌گیری از عقلانیت و تفکر و رضایتمندی از زندگی و خوشحال بودن آن‌ها اشاره می‌نمود، گفتمان سنت را به طور کامل طرد نمی‌کرد. برای نمونه در عین تشویق زنان به عقل‌گرایی، از توکل نیز غافل نمی‌ماند. با این حال، به دلیل مشکلات مالی، نشریه *دانش* نتوانست بیش از یک سال دوام آورد.

### ۳. شکوفه: تداوم توانمندسازی زنان با رویکردی محافظه کارانه

نشریه *شکوفه* اندکی پس از خاتمه کار نشریه *دانش* در ذی‌الحجه ۱۳۳۰ق / ۱۹۱۲م / ۱۲۹۱ش به مدیریت خانم مزین السلطنه، مدیر مدرسه مزینیه و دختر میرزا سیدرضی رئیس‌الاطباء، انتشار یافت. این نشریه دو هفته یک بار منتشر می‌شد و طی سال‌های جنگ جهانی اول به فعالیت خود ادامه داد. گاه به علت گرانی و احتکار کاغذ در شرایط بحرانی جنگ چاپ نشریه به تأخیر می‌افتاد (۱۳۳۴ق، ش ۱۱، ص ۱) و پس از چند سال فعالیت به دلیل همین مشکلات و فوت مزین السلطنه انتشار آن متوقف شد (بیران، ۱۳۸۱: ۳۹).

در بالای صفحه نخست نشریه *شکوفه*، ماهیت مطالب آن ادبی، اخلاقی، حفظ‌الصحه، اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، و مسلک مستقیم آن تربیت دوشیزگان و تصفیة اخلاق زنان معرفی می‌شود. محور اصلی مباحث نشریه *شکوفه*، آموزش دختران و توجه به مسائل



اخلاقی زنان است. این نشریه علاوه بر انتشار گزارش‌هایی از مدارس، مطالب خود را بر حفظ‌الصحه، غذا، بهداشت، مراقبت از کودکان و مقابله با عقاید خرافی زنان متمرکز کرده بود. رویکرد نشریه شکوفه به مسئله زنان همچون نشریه دانش بود. این نشریه در بستر و چهارچوب گفتمان سنت، به توانمندسازی زنان اعتقاد داشت و بر این باور بود که باید زن را توانمند کرد تا برای تربیت فرزند، شوهر، خانواده و ملت مفید و کارساز باشد.

نشریه شکوفه در درون گفتمان سنت حرکت می‌کند، هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه را پاسداری می‌کند، به بدحجابی و رفتارهای نامناسب برخی زنان در معابر اعتراض می‌کند و حتی می‌گوید اگر شریعت را پاس نمی‌دارند، به «خانم‌های فرنگی نگاه کنند که روگیری ندارند؛ ولی رفتار و حرکات نامناسب انجام نمی‌دهند» (۱۳۳۱ق، ش ۱۴، ص ۳؛ همان، ش ۵، ص ۲). تمرکز اصلی نشریه شکوفه بر تحصیل دختران است و برای قابل قبول کردن آن از استدلال‌هایی در درون گفتمان رایج بهره می‌گیرد و آن را کاربردی می‌کند. همه وظایف پذیرفته شده زنان را با افزودن واژه علم به آن‌ها، به نتایج برآمده از آموزش دختران مرتبط می‌کند؛ «علم بچه‌داری» و «علم شوهرداری» که با آموزش دختران به بهترین نحو انجام می‌شود و با نداشتن این علوم به دلیل عدم آموزش دختران، بسیاری از کودکان به دلیل «بی‌علمی» مادرانشان جان خود را از دست می‌دهند و قادر به تربیت کودکانشان نیستند؛ فقط از آن‌ها نگاهداری می‌کنند (همان، ش ۱۶، ص ۲). ضرورت آموزش زنان به منظور نقش تربیتی آن‌ها در کودکان در بیشتر شماره‌های نشریه تکرار می‌شود (برای نمونه ر.ک. همان، ش ۱۷، ص ۳-۴).

برای پیشبرد آموزش دختران و پذیرش عمومی ضرورت علم‌آموزی آن‌ها، بر «علم آشپزی»، «علم خیاطی» و دانستن «علوم و صنایع» تأکید می‌کند. اینکه این علوم جزء برنامه مدارس می‌شود و اگر دختر با این علم شوهر فقیر کرد، می‌تواند از این علم برای کسب مزد استفاده کند و اگر شوهر ثروتمند کرد، موجب جلب نظر شوهر می‌شود و «علم شوهرداری» فقط منوط به بزک کردن برای شوهر نیست، بلکه مربوط به تهذیب اخلاق است تا به مجادله و منازعه نینجامد (همان، ش ۱۷، ص ۳).

نشریه شکوفه مردان جامعه را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد و توضیحاتی در رد باورهای عامیانه آن زمان مبنی بر حرام بودن سواد و خط زنان می‌دهد و به نقد فرهنگ مردانه و لزوم حمایت از زنان می‌پردازد و اینکه تا مردان رشد نکنند، راه برای رشد زنان گشوده نمی‌شود: «تقصیر بعضی از آقایان است که رویه زن‌داری و فلسفه و پلتیک و حدود و معاشرت و رفتار با عیال خود را نمی‌دانند» (۱۳۳۲ق، ش ۹، ص ۱-۲). ناآگاهی مردان را مانعی بر سر راه زنان می‌داند (همان، ش ۲۱، ص ۲) و به مردان گوشزد می‌کند که «چرا به آموزش زنان بی‌توجهید» (۱۳۳۱ق، ش ۱۸، ص ۳). اما در عین حال که به شیوه تفکر و عمل مردان انتقاد دارد، به زنان نیز انتقاد می‌کند. نمونه‌هایی از «بدحجابی دوره قاجار» ارائه می‌دهد و از زنان می‌خواهد به مسائل مذهبی و شرعی پایبند باشند (۱۳۳۲ق، ش ۲۳، ص ۴). وضعیت زنان در چهارچوب نقش‌های سنتی تعریف شده تأیید می‌شود و فقط دو مقوله «علم و عقل» به آن افزوده می‌شود.

در نشریه شکوفه نیز مانند نشریه دانش نمونه ایدئال زن اروپایی به‌عنوان چشم‌انداز هدف‌گذاری می‌شود؛ ارائه آمارهایی از مدارس دختران در کشورهای غربی یا «دول متمدنه» (۱۳۳۱ق، ش ۳، ص ۲-۳)، اعزام دختران محصل ژاپنی به آمریکا (۱۳۳۲ق، ش ۹، ص ۳)، زنان اروپایی که علاوه بر خانه‌داری و تربیت فرزند صاحب تألیفات و فضائل و فنون هستند و زنان اروپایی که وارد بازار کار شده‌اند و در مدارس، بیمارستان‌ها، تجارت‌خانه‌های بزرگ و کوچک و مشاغل دولتی، «مشغول شغل و صنعت و تجارت» هستند (همان، ش ۱۹، ص ۱)، با ذکر آمار زنان شاغل بر ضرورت برخی از مشاغل زنانه در جامعه تأکید می‌کند؛ مثل تأسیس بیمارستان زنانه با پزشکان و پرستاران زن (۱۳۳۳ق، ش ۱۲، ص ۲) و حتی از این نیز فراتر می‌رود و ذکر می‌کند که زنان اروپایی «قدم را بالاتر نهاده، تساوی در تمام حقوق اجتماعی را با مردان و تصدی مشاغل عالیه دولتی را هم مطالبه می‌کنند» (۱۳۳۲ق، ش ۱۸، ص ۳-۴) و اینکه باید از «زنان کشورهای متمدنه» و «دختران و زنان ژاپن و آلمان سرمشق گرفته» و «مساوات زنان در حقوق بشری با مردان» را نیز مطرح می‌کند (همان، ش ۲۴، ص ۳-۴).

بنابراین، دومین نشریه زنان علاوه بر وارد کردن دو عنصر عقل و علم در گفتمان سنت، نه تنها مسئله کار زنان را که در روزنامه نخست به صورت تلویحی و دوپهلوی ذکر شده بود، با طرح نمونه‌های ایدئال غربی به وضوح ذکر می‌کند و برای نخستین بار از مفاهیمی چون حقوق زنان و تساوی حقوق بشری نام می‌برد، بر محورهای کلیدی و بااهمیت هنجارهای موجود، یعنی ایفای نقش‌های سنتی زنان، یورش نمی‌برد و حتی آن‌ها را تأیید می‌کند.

#### ۴. زبان زنان: نشریه‌ای فراهنجاری و رادیکال

نشریه *زبان زنان* به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی در سال ۱۳۳۷ ق / ۱۹۱۸ م / ۱۲۹۸ ش در اصفهان هر پانزده روز یک بار منتشر می‌شد (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۴۹)؛ ولی بعد از یک سال، به دلایل مختلف از جمله مداخله در امور سیاسی و نگارش مقاله‌ای در خصوص قرارداد ۱۹۱۹ م و وقوع کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م و لحن آشکار نشریه در بیان مطالب، توقیف شد. البته، این نشریه بعد از حدود یک سال وقفه در سال ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ م مجدداً در تهران انتشار یافت (ر.ک. شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۹۱؛ ابوترابی‌ان، ۱۳۶۶: ۹۸؛ اسنادی از مطبوعات ایران، ۱۳۷۸: ۲۴۸). دوره دوم نشریه بعد از یازده شماره به دلیل محدودیت‌ها و سفر دولت‌آبادی به اروپا متوقف شد و انتشار دوره سوم نشریه بعد از بازگشت وی از اروپا از سال ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م به صورت مجله ماهانه ادامه یافت (ر.ک. آژند، ۱۳۶۳: ۲۸۹؛ بیات و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۵۸۴؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۷۴).

*زبان زنان* نشریه‌ای بود که نسبت به دو نشریه پیشین گامی بلندتر در طرح گفتمان مدرن برداشت؛ حتی عنوان نشریه *زبان زنان* نیز نوعی دهن کجی به هنجارهای مرسوم بود که معتقد بود زبان زنان باید کوتاه باشد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱/۶۶). این نشریه نخستین نشریه زنانه‌ای است که به مسائل سیاسی می‌پردازد و در بیشتر شماره‌ها بخشی از مطالب خود را به اخبار سیاسی اختصاص می‌دهد (برای نمونه ر.ک. *زبان زنان*، ۱۳۳۸ ق، ش ۵، ص ۴). نقد شیوه استبداد حکومتی، مسائل جنگ جهانی، عقب‌ماندگی، جهل، فقر، انتخابات، وطن‌پرستی، قانون اساسی، آزادی و معارف خواهی، و انجمن‌های ایالتی از محورهای مورد توجه نشریه *زبان زنان* بود. درج مقالاتی در خصوص سوسیالیسم و ناسیونالیسم و توجه

به وجوه مثبت ایران پیش از اسلام و پیشنهاد اینکه لباس نظامیان از سپاهیان ایران باستان گرفته شود، نوعی باستان‌گرایی نه‌چندان افراطی را در نشریه نشان می‌دهد (همان، ش ۱۴، ص ۱).

زبان زنان علاوه بر آنکه همچون دو نشریه سابق بر دو محور علم‌گرایی و عقل‌گرایی بر امور زنان تأکید داشت، بر گسترش آموزش دختران و توسعه مدارس آن‌ها نیز پافشاری می‌کرد. از تحلیل متن نشریه‌ها و واژه‌هایی که به‌طور عمده در آن‌ها به کار رفته است، درمی‌یابیم که مفاهیمی همچون «علم»، «ترقی»، «عقب‌ماندگی ایران»، «وطن‌پرستی» و «قانون اساسی» مواردی است که در این سه نشریه به کار رفته است. در نشریه شکوفه بر وطن‌پرستی و رابطه آموزش دختران با وطن‌پرستی و خدمت به وطن تأکید شده است و در نشریه زبان زنان نیز همچنان بر این نکته تأکید می‌شود و حتی شعارهایی با عنوان «زنده باد ایران، زنده باد ایرانیان، زنده باد اتحاد» سر می‌دهد (همان، ش ۲۲، ص ۳-۴). عقل و علم، دو محور اصلی گفتمان مدرن، در تمامی نشریات مذکور مشترک بوده است. راه رستگاری وطن را عقل، علم، عزم و اراده، و تحمل زحمت می‌داند (همان، ش ۲۱، ص ۱)؛ البته، واژه‌ها و اصطلاحاتی نیز وجود داشت که نشریه زبان زنان نسبت به دو نشریه پیشین آغازگر طرح آن‌ها بود: «دموکراسی»، «سوسیالیزم»، و «تساوی حقوق» و «حق رأی زنان» که عمدتاً بر تساوی حقوق زن و مرد تمرکز داشت (همان، ش ۱۷، ص ۱-۳؛ همان، ش ۱۱، ص ۲). هرچند نشریه شکوفه از واژه «حقوق بشر» استفاده کرده بود، زبان زنان آن را به‌صورت «حق زن و مرد در علم بشریت» به کار می‌برد (همان، ش ۲، ص ۱). بنابراین، گام بلندی که این نشریه نسبت به دو نشریه پیشین برداشته است، آن است که بحث «حق» را به‌صورت محوری غالب که بر آن تأکید می‌شود، در مطالب نشریه مطرح می‌کند و به مردان توصیه می‌کند «حقوق زنان» را رعایت کنند.

نشریه زبان زنان علاوه بر تساوی حقوق، حق رأی زنان در انتخابات را نیز مطرح می‌کند و اینکه اگر زنان از انتخابات کنار گذاشته نمی‌شدند، نمی‌گذاشتند انتخابات سفارشی شود (همان، ش ۲۱، ص ۲). در طرح نمونه‌های زن ایدئال اروپایی بر تلاش زنان اروپایی در کسب حق رأی و برابری حقوق زن و مرد و تلاش آن‌ها برای «گرفتن کرسی پارلمان»

اشاره شده است (همان، ش ۳، ص ۲؛ همان، ش ۱۲، ص ۴). در اشتغال زنان نیز بر ضرورت کار زنان در اموری مثل پزشکی، پرستاری و معلمی و بر لزوم داشتن «طبیبه‌های عالمه» و «طبیبه‌های زنانه» تأکید می‌کند (۱۳۳۹ق، ش ۲۹، ص ۳-۴) و حتی پیشنهاد تأسیس شرکت و تجارت‌خانه‌ها را طرح می‌کند و به زنان ایران انتقاد می‌کند که به «رخت زیباپوشی و تنبل افتادن در اندرون» عادت کرده‌اند و آن را «خانمیت» می‌دانند و باید به زنان دنیا بنگرند که به کارهای صنعتی و علمی می‌پردازند و موجب «تجلیل نوع» خود می‌شوند (۱۳۳۸ق، ش ۱۲، ص ۱-۲)؛ در حالی که با لحنی تند و انتقادی به مردان حمله می‌کند و می‌گوید بهتر است زنان معنی زندگی اشتراکی را در عمل به مردان بفهمانند تا ترس و واهمه مردان از لفظ تساوی حقوق زن و مرد برطرف شود (همان، ش ۲، ص ۱-۲).

بنابراین، همین‌طور که گفته شد، نشریه *زبان زنان* رادیکال‌تر بود و با سرعت بیشتری می‌کوشید از گفتمان سنت خارج شود؛ حتی واژه‌ها و نکات هدف‌گذاری شده رادیکال‌تر و بدون ملاحظه شرایط اجتماعی و فرهنگی طرح شده است. از این‌رو، حمله به دفتر نشریه و توقیف آن، نشریه را با وقفه‌های بسیار طولانی در انتشار آن مواجه کرد (ر.ک. فرخ‌زاد، ۱۳۷۸: ۸۷۶/۱).

## ۵. تداوم روند رادیکالیزه شدن گفتمان نوگرایی در نشریات زنان

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، چهار نشریه زنان هم‌زمان در سال ۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ش مجوز فعالیت گرفتند که ظهور این تعداد نشریه زنان حاکی از ضرورت اجتماعی و مهیا شدن شرایط انتشار آن‌ها و امکان و سرعت گرفتن حضور گفتمان مدرن بود. به جز نشریه *زنان ایران* که شماره‌ای از آن به دست نیامد، در این قسمت به بررسی سه نشریه جهان *زنان*، *عالم نسوان* و *نامه بانوان* خواهیم پرداخت. این نشریه‌ها در حوزه سیاسی مداخله نمی‌کردند و صرفاً به مباحث زنان توجه داشتند. جهان *زنان* به مدیریت فخر آفاق پارسا که آموزگار بود و به صاحب‌امتیازی همسرش فرخ دین پارسا که در حوزه مطبوعاتی فعالیت داشت، در مشهد آغاز به کار کرد و در هر ماه دو شماره از آن منتشر می‌شد. بعد از شماره چهارم، نشریه به دلیل انتقال آقای فرخ دین پارسا، در تهران به کار خود ادامه داد؛ ولی

مطالب نشریه با مخالفت‌های شدید مواجه شد و جمعی آن را مخالف دین دانستند و در نتیجه منجر به مجازات و تبعید پارسا و همسرش به اراک شد.

بررسی محتوای نشریه *جهان زنان* حاکی از آن است که این نشریه نیز همچون دیگر نشریات گذشته، محور اصلی مباحث را بر تعلیم و آموزش زنان قرار داده بود. در این نشریه برای طرح ضرورت آموزش زنان بیشتر استدلال‌هایی از احادیث و آیات و متون دینی آورده و کوشیده می‌شد ضرورت تعلیم زنان با رفتار زن و شوهر پیوند یابد تا مردان جذب شوند و همراهی کنند. آموزش زنان با اخلاق شوهرداری و نگاهداری صحیح از کودکان پیوند می‌خورد. نشریه می‌کوشد با تقویت نقش مادری زنان و اهمیت دادن به آن در همان نقش‌های سنتی زن و مرد، مقاومت مردان را بشکند و از حربه اخلاق و نقش مادری و همسری بهره بگیرد. وظایف و مسئولیت‌ها و نقش‌های سنتی زنان را نفی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد همان دو مولفه علم‌گرایی و عقل‌گرایی را با آن بیامیزد. بچه‌داری و تشویق به شیردهی با شیر مادر و تشریح علمی آن، همچنین گرفتن دستورات علمی از کتاب‌های ترجمه‌شده و اینکه مادری «مقدس‌ترین وظیفه» است؛ ولی باید عقلانی و علمی انجام شود (۱۲۹۹ق، ش ۱، ص ۹-۱۴).

در این نشریه به زنان نیز با وجهی انتقادی نگاه می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که تا کی با اندیشه‌ای محدود فقط به فکر عرضه خویشتن به جنس مخالف و جلب نظر آن‌ها و به دنبال «هوس زینت و مشغول توالی» و در پی «مشتری و فکر خریدار» خواهند بود (۱۳۰۰ق، ش ۵، ص ۹۲). همچنین، به آن‌ها توصیه می‌شود که با احساسات آرام و با تدبیر و مسالمت حق خود را طلب کنند (همان، ش ۲ و ۳، ص ۷-۷۰).

در این نشریه بر چندین حق پافشاری می‌شود که عبارت‌اند از: «حق انتخاب شوهر»، «حق آموزش»، «حق حیات زن نسبت به اجتماع» که آن را به حق مادری زنان بر جامعه تعبیر می‌کند و تأکید می‌نماید که اگر آنان نباشند، اجتماعی حاصل نمی‌شود. علاوه بر این، بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید می‌کند و مباحث متعددی مبنی بر خلقت یکسان زن و مرد و تساوی فکری، اخلاقی، علمی و صنعتی آن‌ها ارائه می‌دهد و حتی برای نخستین بار

اصطلاح «فمینیست» در این نشریه به کار می‌رود (ر.ک. جهان زنان، ۱۳۰۰ق، ش ۵، ص ۱۰۵؛ همان، ش ۳، ص ۷۰-۷۲ و ۴۹-۵۰؛ همان، ش ۱، ص ۱۴).

بخشی از صفحات نشریه اختصاص به ارائه مدل‌های لباس جدید غربی از ژورنال‌های خارجی داشت و حتی خیاط‌خانه مخصوص مجله نیز معرفی می‌شود که این لباس‌ها را برای «خانم‌هایی که مایل به پوشیدن مدهای تازه هستند»، فراهم کند. (همان، ش ۵، صفحه‌های پایانی). به این ترتیب، زمینه نوگرایی در لباس را به‌طور عملی فراهم می‌کند که قطعاً خشم مخالفان را برمی‌انگیخت و حتی در نشریه پیشنهاد می‌شود که اصول آداب معاشرت با زنان در اجتماع نیز باید نوشته شود (همان، ش ۵، ص ۸۸-۹۱).

ترسیم زن ایدئال اروپایی در این نشریه نیز براساس نمونه‌هایی از زنانی است که شغل‌هایی را برعهده گرفته، یا نماینده مجلس شده، یا در هیئت منصفه دادگاه بوده، یا نمونه‌ای از زنان مسلمان که منصبی را عهده‌دار شده‌اند. در همه این موارد تلاش می‌شود نگرانی عمومی از ورود زنان به این مشاغل که مانع همسری و مادری آن‌ها تلقی می‌شد، برطرف شود (همان، ش ۵، ص ۱۰۱ و ۱۰۵؛ همان، ش ۳، ص ۵۹-۶۰؛ جهان زنان، ۱۲۹۹ق، ش ۲، ص ۴۸). نشریه از خط‌قرمزهای بسیاری در آن زمان عبور کرد و بر تعلیم زنان، ورود آن‌ها به اجتماع، و گرفتن شغل و کار اجتماعی تأکید داشت؛ به‌خصوص ارائه مدل‌های لباس غربی در آن زمان اقداماتی تندروانه محسوب می‌شد که به توقیف نشریه و تبعید دست‌اندرکاران آن منجر گردید (ر.ک. بیران، ۱۳۸۱: ۶۶-۷۲؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۴: ۲/ ۱۸۱-۱۸۵).

نشریه عالم‌نسوان نیز در سال ۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ش در تهران به صاحب‌امتیازی نوابه صفوی و زیر نظر مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی آمریکایی منتشر می‌شد (صدرهاشمی، ۱۳۶۴: ۱/ ۴-۵). دستورالعمل این نشریه مبتنی بر ارائه مطالبی درمورد «حفظ‌الصحه»، اخلاق، پرستاری و تربیت اطفال، امور خانه‌داری، شیوه‌های انتخاب لباس و مد اروپایی، مقالات ادبی و اخبار پیشرفت زنان در دیگر کشورها بود. این نشریه ارائه اخبار سیاسی را جزء اهداف خود قرار نداد. دفتر فروش نشریه در تهران و دیگر شهرها در مدارس، کتابخانه، تجارت‌خانه، داروخانه، اداره مالی و پست بود و نمایندگان فروش آن



عمدتاً از مدیران مدارس داخلی و خارجی مثل مدرسه آمریکایی و انگلیسی، کارمندان دولت و دکترها بودند (۱۳۰۵ش، ش ۱، ص ۱؛ ۱۳۰۶ش، ش ۶، ص ۱).

در نشریه *عالم نسوان* از واژگانی همچون «حیات مدنی»، «احقاق حقوق زنان» (س ۷، ش ۲، ص ۵-۶؛ س ۷، ش ۱، ص ۳۲)، «حقوق بشریت»، «تساوی حقوق افراد بشر» (همان، ش ۷ و ۸، ص ۲۶۵-۲۶۸) و «تساوی حقوق نسوان با مردان» در نگارش مطالب نشریه استفاده می‌شود (همان، ش ۲، ص ۵۱-۶۰). در یکی از شماره‌های نشریه به نامیدن زنان با عنوان «ضعیفه» انتقاد شده و دلایل «بدبختی‌ها و فقر اقتصادی و سوء اخلاق عمومی» را «عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی» دانسته است. این نشریه بدون پرده‌پوشی و خیلی روشن به طرح خواسته‌هایش می‌پردازد و لحنی تند، گزنده و خشم‌آلود در اغلب نوشته‌هایش به کار می‌گیرد. در نشریه *عالم نسوان* رفتار مردان، یعنی «خودخواهی و استبداد آن‌ها»، عامل اصلی عقب‌ماندگی زنان و مراجعه آن‌ها به رمال و دعانویسی دانسته شده است (همان، ش ۷ و ۸، ص ۲۵۸-۲۶۴). به عقاید مرسوم خرافی رایج در بین زنان نیز با دید انتقادی نگریده و آن را در بین زنان شهری بیش از زنان روستایی و ایلی تلقی کرده است که منشأ آن «بیکار و مهمل» گذرانده شدن زندگی از سوی زنان متوسط و اعیان شهری دانسته شده است (س ۱، ش ۳، ص ۳۰-۳۷). از وجوه انتقادی نشریه به زنان؛ «اینکه زن‌ها ترسو هستند و جرئت معامله ندارند و پایبند خانه‌داری هستند» و عدم حضور اجتماعی آن‌ها مورد نقد قرار می‌گیرد. طبق گفته نشریه، زمانی که زن‌ها در ایام محرم و رمضان اجازه ورود به مساجد و تکایا پیدا می‌کنند، مانند زندانیانی که به مرخصی می‌روند یا مثل «مجانین بندگسیخته و اسیر آزادشده به هر طرف می‌دوند و از هر نوع حرکات خارج از نزاکت کوتاهی نمی‌کنند» (همان، ش ۳، ص ۲۵-۳۰) و در جایی می‌گوید که «آقایان تصور نفرمایند ما نسوان دیده‌بدبین خود را به طرف آن‌ها باز کرده، از معایب خود صرف نظر می‌کنیم» (س ۱، ش ۳، ص ۲۵-۳۰).

بنابراین، وجه انتقادی این نشریه مردان و زنان را دربر می‌گرفت و وجوه مشترک آن با دیگر نشریه‌های زنان تأکید بر آموزش و کار زنان بود و نیز اهمیتی که برای این تعالیم در شکل‌گیری شخصیت کودکان قائل بود که ضرورت این تعالیم را موجب می‌شد (س ۷،





ش ۱، ص ۱-۴). همچنین، این آموزش‌ها باعث می‌شد خرافه‌پرستی در بین زنان کاهش یابد (س ۱، ش ۲، ص ۲۵-۲۶؛ س ۷، ش ۶، ص ۲۰۸-۲۱۰). واژه «متمدن شدن» که حاکی از تسلط گفتمان مدرن بود، سپهر آرمانی را تصویر می‌کرد که مخالفان آن بر این باور بودند که اگر زنان وارد این جرگه شوند، دیگر «اطاعت شوهر را نخواهند کرد و پشت به کتک نخواهند داد» و نشریه آینده را چنین ترسیم می‌کرد که زنان می‌خواهند «هم‌دوش شوهرهای خودشان تئاتر و رستوران بروند» (س ۷، ش ۶، ص ۲۲۳-۲۳۳).

همچنین، در ترسیم چشم‌انداز تعیین‌شده نمونه‌های ایدئالی از زنان موفق در کشورهای مختلف مثل آمریکا، ژاپن، انگلستان، ترکیه، چین، فیلیپین، فرانسه و روسیه مطرح می‌شود (س ۱، ش ۳، ص ۲۳-۲۴؛ همان، ش ۲، ص ۵-۶؛ س ۷، ش ۱، ص ۳۲؛ همان، ش ۶، ص ۲۰۶-۲۰۷).

*عالم‌نسون* در شماره‌های منتشرشده در سال‌های نخست دوره پهلوی با لحنی تند و خصمانه به ضرورت کار زنان و لزوم حضور آنان در جامعه پا می‌فشارد و به سن پایین ازدواج دختران انتقاد می‌کند. این نشریه توصیه‌هایی نیز به زنان مبنی بر اهمیت قائل شدن به فردیت خود مطرح می‌کند، چه به لحاظ ظاهر و چه به لحاظ بهداشتی و سلامتی. بهداشت و سلامت و توصیه به انجام حرکت‌های ورزشی برای رسیدن به سلامتی (س ۱، ش ۴، ص ۵-۶) از مواردی است که در شکل‌گیری و طرح عنصر دیگری از مؤلفه‌های مدرن که «فردیت» زنان بود، تأثیر داشت. به این ترتیب، در تکمیل هویت جدید زنان، علاوه بر تحصیل و شغل، توجه به جسم، بهداشت و سلامتی نیز توصیه می‌شود که در شکل‌گیری و تقویت «فردیت» آن‌ها بسیار مؤثر بود.

نشریه دیگری که در سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م مجوز انتشار گرفت، *نامه بانوان* به مدیریت شهناز آزاد، همسر میرزا ابوالقاسم خان آزاد مراغه، مدیر روزنامه‌های *آسایش* و *نامه پاریسی*، بود. شعار نشریه این بود که «زنان نخستین آموزگار مردان‌اند» و «این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است». در این نشریه نیز همچون دیگر نشریات زنان که در این سال‌ها انتشار یافتند، بر علم‌گرایی و آموزش و تحصیل زنان تأکید می‌شد که گاه برای تأیید آن آیات و احادیث نیز استفاده می‌شد. همچنین، این نشریه

مردان را مورد خطاب قرار می‌داد و تشریح می‌کرد که زن ناآگاه خانواده و فرزندان را تباه می‌کند و می‌کوشید «ترس مردان» از زنان تحصیل کرده و مدرن را با انواع مثال‌ها و شرح حال‌ها کاهش دهد. همچنین، در نشریه بر «حق رأی و شرکت در انتخابات مجلس»، «تساوی حقوق» و «آزادی و حقوق نسوان» تأکید می‌شد (۱۲۹۹ق، ش ۲، ص ۶). این نشریه تغییر وضعیت زنان را با مثال‌هایی از «زنان متجدد» که در کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای مسلمان به حق رأی و حضور در پارلمان دست یافته‌اند، به صورت نمونه‌هایی ایدئال بیان می‌کرد. همچنین، به شیوه حجاب رایج زنان در جامعه اعتراض می‌کرد و باز بودن دست و صورت را ضروری می‌دانست (همان، ش ۴، ص ۳-۴). *نامه بانوان* علاوه بر مؤلفه‌هایی که در دو روزنامه هم‌زمان آن وجود داشت، بر تقویت مؤلفه «فردیت» و جلب توجه زنان به «خویش» نیز مطالبی ارائه می‌دهد. بعد از طرح «تساوی حقوق» و اینکه چرا زنان ایران از آن محروم‌اند، می‌نویسد: «اکنون مخدرات حق دارند که متحد گردند و بر ضد این حکم جابرانه قیام نمایند» (همان، ش ۳، ص ۵). در این نشریه به اتحاد و قیام زنان برای رسیدن به خواسته‌هایشان و بر ضرورت طغیان و جنبش اجتماعی در این راستا تأکید می‌شود. همچنین، برخلاف نشریات پیشین که تربیت زنان را به سود آحاد کشور می‌دانست و آن را به عنوان استدلالی برای ضرورت تربیت زنان مطرح می‌کرد، معتقد بود زن نباید برای نفع مملکت تربیت شود، بلکه باید برای «سعادت خودش» تعلیم یابد (همان، ش ۵، ص ۳). عقاید صریح و رادیکال *نامه بانوان* موجب مخالفت با نشریه شد و به آن اتهام مخالفت با حجاب زده شد که به‌رغم شرح توضیحی نشریه، نهایتاً توقیف گردید (ر.ک. صدرهاشمی، ۱۳۶۴: ۴/۲۶۲).

## ۶. جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران: نشریه‌ای با رویکردی محتاطانه

آخرین نشریه‌ای که به آن خواهیم پرداخت، نشریه جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران است. این نشریه در سال ۱۳۰۲ش / ۱۹۲۳م / ۱۳۴۱ق، بعد از تشکیل جمعیت نسوان وطن‌خواه با مدیریت ملوک اسکندری در تهران منتشر شد. هرچند روند انتشار آن به صورت ماهیانه بود، بسیار نامرتب منتشر می‌شد (همان، ۲ / ۱۶۹-۱۷۰؛ بیران، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۲). از آنجا که

نشریه جمعیت نسوان وطن خواه ایران ارگان رسمی جمعیت زنان بود، لحن و زبان ملایم تر، محتاط تر و پخته تری داشت. این نشریه از واژگانی چون «ترقی زنان»، «اصلاحات نسوان»، «حقوق حقه» استفاده می کند و همچون دیگر نشریات بر تعلیم زنان پای می فشارد و از دلایل عقلی و شرعی بر ضرورت آن استفاده می کند و از سخنان بزرگان دین و آیات و احادیث نیز در اثبات آن کمک می گیرد (۱۳۰۲ش، ش ۲، ص ۵-۸؛ ۱۳۰۲ش، ش ۱، ص ۷-۹؛ همان، ۱۳۰۳ش، ش ۷ و ۸؛ ص ۳۲-۳۴).

این نشریه وجهی انتقادی- اجتماعی داشت. مقالات متعددی در این نشریه به مشکلات ازدواج سنتی و ضرورت انتخاب زوجین، خرافه پرستی زنان و رفتار و اعمال آنها در مراسم عزاداری اختصاص می یابد. همچنین، مطالبی در انتقاد به تندروی های جوانان در ورود عناصر مدرن به جامعه و نگارش مقالاتی بر ضد حجاب بدون توجه به شرایط اجتماعی نوشته می شود. در واقع، نشریه معتقد به مشی محتاطانه است تا منجر به واکنش های تند نشود:

در نتیجه تندروی و افراط، عکس العمل طوری نتیجه داد که متجاوز از یک قرن نژاد جوان ایرانی به طرف قهقرا سیر کرد. این تندروی در یک ملت جاهل که از هزار نفر یک نفر عالم دارد، بالاخره عکس العمل نشان می دهد. در چندی قبل در طهران [...] هرگاه جوان های کراوات بسته و خوش لباس و زن ها و دخترهای چادر اطلس و کفش برقی از محلات پایین شهر عبور می کردند، به جزئی اتهام به عنوان بابی یا بهایی یا طبیعی، رشته حیات و زندگی آنها را قطع نموده [...] (۱۳۰۳ش، ش ۷ و ۸، ص ۱۹-۲۴ و ۲۳-۲۴).

بنابراین، برخلاف سه نشریه پیشین که مشی رادیکالی داشتند، این نشریه با احتیاط و متکی بر شرایط و بنیان های اجتماعی است؛ ولی همان اهداف را مطرح می کند. در همه موارد علم گرایی و لزوم تعلیمات دختران را با استدلال های دینی همراه می کند و می کوشد مباحث را عرفی و به باورهای عموم نزدیک کند (ر.ک. ۱۳۰۲ش، ش ۱، ص ۷-۹). برخلاف دیگر نشریات که عمدتاً مخاطب خود را نخبگان و طبقات بالای جامعه قرار می دادند، این گروه می کوشد مخاطب عام را جذب کند. از این رو، بر علم آموزی و نقش

زنان و تأثیری که بر اخلاق و تعلیم جوانان خواهند داشت و می‌توانند آنان را وطن‌پرست پرورش دهند، تأکید دارد (۱۳۰۳ش، ش ۷ و ۸، ص ۱۲-۱۸). تغییراتی که در شرایط زنان لازم می‌داند، در قالب همان نقش‌های سنتی آن‌ها مستدل می‌شود. آموزش در امور شخصیه زنان به انجام بهتر همان نقش‌ها و به بهبود اخلاق و تربیت مادرانی کمک می‌کند که وظیفه پرورش جوانان را برعهده دارند و این امر موجبات متمدن شدن کشور را نیز به دنبال دارد (۱۳۰۲ش، ش ۵، ص ۱۸-۲۴). از آنجا که این نشریه جمعیت زنان را نمایندگی می‌کرد، جمعیت نسوان وطن‌خواه عرایضی به رئیس‌الوزرا و مجلس نوشته و بر لزوم توجه بیشتر به آموزش دختران، ترویج منسوجات وطنی برای لباس مدارس، بالا بردن سن ازدواج، گواهی سلامت زوجین قبل از ازدواج، و اعزام دختران محصل به مصر و بیروت برای تحصیل علم قابلیت تأکید کردند (۱۳۰۴ش، ش ۹، ص ۲-۳؛ ۱۳۰۲ش، ش ۵ و ۶، ص ۳۶).

در شماره‌ای از نشریه به تقلید زنان اعیان و اشراف از لباس‌های ژورنال‌های خارجی برای فخرفروشی به یکدیگر انتقاد می‌شود و تصریح می‌شود که لباس باید مطابق بهداشت، زیبا، متناسب با شرایط ملت و مذهب و با رعایت صرفه‌جویی و ساده باشد. تقلید طبقات متوسط از اعیان و اشراف که بدون فکر و از راه تقلید است، شدیداً مورد انتقاد قرار می‌گیرد (۱۳۰۳ش، ش ۷ و ۸، ص ۱۲-۱۸). همچنین، این نشریه به وضعیت فردی زنان نیز توجه می‌کند و ورزش برای زنان و تأسیس کلوپ‌های ورزشی متناسب با شرایط اجتماعی را پیشنهاد می‌دهد که به پرورش مادران قوی‌بنیه و قوی‌اراده که عنصر اصلی تربیت و از عوامل عمده تمدن هستند، کمک می‌کند (۱۳۰۲ش، ش ۵ و ۶، ص ۵۰-۵۲؛ همان، ش ۱، ص ۲۴).

## ۷. نتیجه

نشریات غیررسمی از یک سو، وجهی سلبی داشتند و وضعیت موجود را نقادانه می‌نگریستند و از سوی دیگر، دارای وجه ایجابی بودند و سپهری آرمانی را ترسیم می‌کردند. این کارکردها از طریق روش‌های تبلیغی یا تعلیمی، و یا ترکیبی از آن‌ها صورت

می گرفت. علاوه بر این، کارکردها در آن شرایط سیاسی - اجتماعی و وضعیت جهانی، همچنین یک گروه مرجع تأثیرگذار بوده است. از این رو نشریات، به عنوان نهادی مدرن و تأثیرگذار، با نقد وضع موجود چشم اندازی جدید ارائه می کردند و افق دانایی جدیدی را رقم می زدند. نشریات زنان مورد بررسی در این پژوهش نیز بدین گونه عمل می کردند. این نشریات در روند تحول گفتمان سنت به مدرن و برای عبور از زن ایدئال سنتی به زن ایدئال مدرن، سپهری آرمانی ارائه می دهند. بررسی این نشریات حاکی از آن بود که دانش، به عنوان نخستین نشریه زنان، با مدارا و در درون گفتمان سنت، بدون تغییر نقش ها و موقعیت زنان می کوشد با وارد کردن دو عنصر عقل و علم به توانمندسازی زنان پردازد؛ ولی به تدریج مطالبات توسعه می یابد. شکوفه علاوه بر تداوم مثنی توانمندسازی، بحث حق را مطرح می کند و در آن واژگانی همچون حقوق بشر و تساوی حقوق به کار می رود. بنابراین، علاوه بر عقل و علم، حقوق زنان و تساوی حقوق و مسئله اشتغال به صورت ملایم و با واژگانی دوپهلوی که مشخص نمی شود منظور کار در داخل خانه یا بیرون از خانه است، مطالبات را جلوتر می برد. *زبان زنان* با لحنی رادیکال تر و فراهنجاری بر مطالبات پیشین حق رأی را نیز می افزاید و واژگانی همچون دموکراسی و سوسیالیسم نیز بر تساوی حقوق و اشتغال افزوده می شود. اما سه نشریه *عالم نسوان*، *نامه بانوان* و *جهان زنان* که در سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م شروع به فعالیت کردند، هم به لحاظ کمیت و هم کیفیت رادیکالیزه شدند. به هم ریختگی سیاسی - اجتماعی کشور، پشت سر گذاشتن دوران جنگ جهانی اول، و بحران های اجتماعی ناشی از آن، عدم تمرکز سیاسی، بروز جنبش هایی در گوشه و کنار کشور، عدم مرجعیت سیاسی و از هم گسیختگی اجتماعی - فرهنگی، امکان این رادیکالیزه شدن را فراهم کرد. از این رو، سه نشریه *جهان زنان*، *عالم نسوان* و *نامه بانوان* عمدتاً بر حضور اجتماعی زنان و اشتغال و تغییر لباس و حجاب و باز بودن دست و صورت برای آسان کردن حضور اجتماعی زنان متمرکز شدند که در مواردی لحن تند و نادیده گرفتن خط قرمزهای اجتماعی به توقیف و تبعید دست اندرکاران نیز منجر شد. در کنار این مطالبات پیش رونده، به طور ملایم توجه به «فردیت» نیز طرح می شود و به زنان توصیه می شود علاوه بر نقش هایی که برعهده دارند، به فردیت خود نیز توجه کنند.

ورزش، بهداشت و سلامتی، تحصیل، و شغل در سپهر آرمانی جدید مطرح می‌شود و هویت جدیدی را برای زن رقم می‌زند. آخرین نشریه، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، که ارگان جمعیت نسوان وطن‌خواه بود، بر مسئله ازدواج تمرکز می‌کند و برای پیشبرد اهداف خود با رئیس‌الوزرا و مجلس نیز مکاتبه می‌نماید و مشخص است که دولت و مجلس را در پیشبرد گفتمان جدید اثرگذار می‌دانسته است. عملکرد این نشریات از گفت‌وگو در درون گفتمان سنت به خلق گفتمان جدید متجددانه با روندی آرام و گاه خروشان پیش رفته است.

## منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۶۳). *ادبیات نوین ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: امیرکبیر.
- ابوترابیان، حسین (۱۳۶۶). *مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶*. تهران: اطلاعات.
- *اسنادی از مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۴۰ ش)* (۱۳۷۸). تهیه و تنظیم اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیدپور، زهره و دیگران (۱۳۹۲). «تحلیل رویکرد متجددانه زنان در دوره مشروطیت». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. ش ۲۰. ص ۳-۵.
- بیران، صدیقه (۱۳۸۱). *سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بیات، کاوه و مسعود کوستانی‌نژاد (به کوشش) (۱۳۷۲). *اسناد مطبوعات ایران (۱۲۸۶-۱۳۳۰ ش)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک*. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). «تکاپوی زنان عصر قاجار: جهان سنت و گذار از آن». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. ش ۲. صص ۱۲۲.

- جمعیت نسوان وطن خواه (۱۳۰۲ش). ش ۱، ۲، ۵، ۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۰۳ش). ش ۷، ۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۰۴ش). ش ۹.
- جهان زنان (۱۲۲۹ق). ش ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۰۰ق). ش ۲، ۳، ۵.
- دانش (۱۳۲۸ق). ش ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۹ق). ش ۱۴.
- دیولافوا، ژن (۱۳۶۱)، سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه علی محمد فره‌وشی. ج ۲. تهران: خیام.
- دولت آبادی، صدیقه (۱۳۷۷). نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها. به کوشش افسانه نجم آبادی و مهدخت صنعتی. ج ۱. شیکاگو: انتشارات نگرش و نگارش زن.
- رابینو، هل (۱۳۸۰). فهرست روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۳۹ق. تهران: اطلاعات.
- رایس، کلارا کالیور (۱۳۶۶). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- زبان زنان (۱۳۳۸ق). ش ۲، ۳، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۹ق). ش ۲۹.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران (سفرنامه کارلا سرنا). ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- شکوفه (۱۳۳۱ق). ش ۳، ۵، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۲ق). ش ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۳ق). ش ۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۴ق). ش ۱۱.

- شیخ‌الاسلامی، پری (۱۳۵۱). *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*. تهران: زرین.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. ج ۲ و ۴. تهران: کمال.
- *عالم نسوان* (۱۳۰۵ش). ش ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۰۶ش). ش ۶.
- \_\_\_\_\_ س ۱. ش ۲، ۳، ۴.
- \_\_\_\_\_ س ۷. ش ۱، ۲، ۶، ۷، ۸.
- فرخ‌زاد، پوران (۱۳۷۸). *دانشنامه زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان*. ج ۱. تهران: زریاب.
- فصیحی، سیمین (۱۳۹۱). «از خلوت خانه تا عرصه اجتماعی: رویارویی زنان عصر مشروطیت با دوگانگی فرهنگ و طبیعت». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. س ۱۹. ش ۸. صص ۱۱۵-۱۳۷.
- قاسمی، فرید (۱۳۷۴). *راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کهن، کونل (۱۳۶۲). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹)*. تهران: آگاه.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران: بعثت.
- مونس‌الدوله (۱۳۸۰). *خاطرات مونس‌الدوله؛ ندیمه حرمسرای ناصرالدین‌شاه*. به کوشش سیروس سعدوندیان. تهران: زرین.
- *نامه بانوان* (۱۲۹۹ش). ش ۲، ۳، ۴، ۵.
- وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۸۵). *زن ایرانی در نشریات مشروطه*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.